

بررسی تأثیر آموزش گروهی مادران بر افزایش خلاقیت کودکان با تأکید بر روش تحلیل رفتار متقابل

الهام درستیان¹

پرویز میرزاکhani²

تاریخ پذیرش: 91/06/20

تاریخ دریافت: 91/02/02

چکیده

زمینه: پرورش خلاقیت کودکان برای آینده آنها، نقشی کلیدی دارد. مادران از اصلی‌ترین حامیان پرورش خلاقیت کودکان به شمار می‌روند و الگوهای ارتباطی مادر و کودک، بر خلاقیت او اثرگذار است.

هدف: پژوهش نیمه آزمایشی حاضر به بررسی تأثیر آموزش گروهی مادران بر افزایش خلاقیت کودکان، با تأکید بر نظریه تحلیل رفتار متقابل می‌پردازد.

روش: در ابتدا، مادران مراجعه‌کننده به مراکز فرهنگی سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران، به عنوان جامعه آماری، مشخص شدند. سپس 40 نفر از این مادران، به صورت تصادفی برای نمونه آماری انتخاب شدند. پس از افت نمونه، 26 نفر باقی مانده به 2 گروه (یک گروه آزمایش و یک گروه گواه) تقسیم شدند. سپس 10 جلسه آموزش گروهی مادران، با رویکرد تحلیل رفتار متقابل برای گروه آزمایش، برگزار گردید. ابزار پژوهش حاضر به عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون، آزمون خلاقیت تورنس بود. این آزمون از کلیه کودکانی که مادران آنها در تحقیق شرکت داشتند، گرفته شد.

1. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر elham_382@yahoo.com

2. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات خوزستان، گروه روانشناسی، خوزستان، ایران

parviz_mirzakhani@yahoo.com

یافته‌ها: نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که در سطح معناداری $p < 0/05$ آموزش گروهی مادران با تأکید بر نظریه تحلیل رفتار متقابل بر افزایش مؤلفه‌های بسط، انعطاف پذیری و ابتکار کودکان مؤثر بوده است. همچنین در سطح معناداری $p < 0/01$ آموزش گروهی مادران به این روش بر افزایش مؤلفه سیالی کودکان اثر داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که آموزش گروهی مادران با تأکید بر نظریه تحلیل رفتار متقابل بر افزایش خلاقیت کودکان مؤثر است.

کلید واژه (گان): تحلیل رفتار متقابل، خلاقیت، آزمون خلاقیت تورنس.

مقدمه

یکی از ویژگی‌های ممتاز آدمی آفرینندگی یا خلاقیت است. در سال‌های اخیر هم در مراکز پژوهشی و هم در محافل تربیتی، مفهوم آفرینندگی و ویژگی‌های آفریننده به طور گسترده بررسی شده است. بی‌تردید پرورش خلاقیت یکی از مهم‌ترین هدف‌های آموزشی و پرورشی به شمار می‌آید (سیف، 1386، ص. 406).

«در تبیین خلاقیت، نظریه‌های مختلفی وجود دارد که در جای خود توضیحی روشنگرانه برای عوامل مؤثر بر خلاقیت ارائه کرده‌اند. می‌توان گفت که خلاقیت پدیده‌ای اجتماعی است و از نیازها، مقتضیات جامعه و شرایط خانوادگی برمی‌خیزد» (آماییل¹، 1987، ص. 40). «خلاقیت بعدی فراشناختی دارد و با فرآیندهای عالی ذهنی نظیر تفکر، هوش، تخیل و پردازش اطلاعات ارتباط دارد» (گیلفورد²، 1950، ص. 23). «خلاقیت یک اثر شخصی است یعنی به عواملی نظیر انگیزش، هیجان، عواطف، احساسات، تجربه‌ها و یادگیری‌های شخصی وابسته است» (تورنس³، 1989، ص. 138).

-
1. Amabile
 2. Guilford
 3. Torrance
 4. Duffy
 5. Craft

طبق نظر تورنس خلاقیت عبارت است از حساسیت به مسائل، کمبودها، مشکلات و خلأهای موجود در دانش، حدس زدن و تشکیل فرضیه‌هایی درباره این کمبودها، ارزشیابی و آزمایش این حدس‌ها، فرضیه‌ها، احتمالاً اصلاح و آزمون مجدد آنها و در نهایت نتیجه‌گیری. وی خلاقیت را مرکب از چهار عامل اصلی می‌داند: سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و بسط (به نقل از حسینی، 1378، ص. 32). «تفکر خلاق فرایند حس کردن مشکلات، مسائل، شکاف در اطلاعات، عناصر گم شده، چیزهای ناجور، حدس زدن و فرضیه‌سازی در مورد این نواقص، آزمون این فرضیات و بالاخره انتقال نتایج است. از جمله مهم‌ترین فنون تفکر خلاق، می‌توان به فنون بارش فکری، اسکمپر و سینکتیکس اشاره نمود» (تورنس، 1989، ص. 139).

«تفکر و عملکرد خلاق نسبت به ایده‌ها و تجارب قبلی بشری نو شمرده می‌شود، عامل تغییر و تحول است و الزاما می‌باید به حال انسان و جامعه نیز مفید باشد: مانند ایده‌های جدید، ابتکارات، اختراعات و اکتشافات. معنای خلاقیت عبارت است از توانایی یا قدرت ذهنی یا بدنی برای ساختن یا بازسازی واقعیت به نحوی منحصر به فرد» (دافی¹، ترجمه یاسایی، 1380). پرورش خلاقیت کودکان نقشی کلیدی را در زندگی آینده آنان ایفا می‌کند. خودآفرینی، خود بیانی و کاردانی از طریق شکوفایی خلاقیت برانگیخته می‌شوند. کودکانی که از مهارت‌های خلاقانه حل مسئله استفاده می‌کنند، به یادگیری از راه کشف و رجوع به خود دست می‌یابند (کرفت²، ترجمه نورانی، 1388، ص. 165).

«جهانی که در آن زندگی می‌کنیم به سرعت در حال تغییر است، به طوری که سرعت تغییرات هرگز به این تندی نبوده است. ما نمی‌دانیم فرزندان ما در بزرگسالی با چه مسائلی رو به رو خواهند شد ولی این را می‌دانیم برای اینکه بتوانند با مسائل رو به رو شوند باید خلاق و اهل تخیل باشند» (دافی، ترجمه یاسایی، 1380، ص. 16).

در جامعه کنونی اهمیت نیاز به کودکان خلاق و آفریننده به عنوان منابع انسانی فردا، بر کسی پوشیده نیست. پرورش کودکان و نوجوانان خلاق و با انگیزه، برای رفع تنگنایهای موجود، ابداع، خلق روش‌ها و فنون منتهی به خودکفایی و رهایی از وابستگی، حائز اهمیت است (افروز، ۱۳۷۲، ص. ۱۷۹).

«زمینه بروز خلاقیت می‌تواند شامل همه مفاد درسی، تمام عرصه‌های زندگی، کلیه رشته‌های تحصیلی و حتی سنین مختلف نیز بشود. هرچند اثرات آن در مورد دانش‌آموزان و سنین پائین با اهمیت‌تر است. از روش حل یک مسئله خشک ریاضی گرفته تا نگارش انشاء، ترسیم نقاشی، آزمایش فیزیک، شیمی و ... عرصه‌های بروز خلاقیت هستند» (رمضانی، ۱۳۸۸، ص. ۱۴).

«تحقیقات تورنس نشان داده است که خلاقیت در تمام فعالیت‌های فردی و گروهی مشاهده شده و با شدت و ضعف بالقوه قابل پرورش، در همه انسان‌ها وجود دارد. همه افراد ذاتاً واجد توانایی تفکر و عملکرد خلاقانه هستند، لکن به واسطه شرایط محیطی به جای آنکه راه‌های بروز آن را یاد بگیرند چگونگی سرکوب آن را فرا می‌گیرند، یعنی می‌آموزند که چگونه خلاق نباشند» (همتی، ۱۳۷۸، ص. ۱۸).

تجاریبی که والدین در سال‌های اولیه در اختیار کودکان خود قرار می‌دهند در رشد آتی آنان، اثر حیاتی دارد. هر قدر این تجارب غنی‌تر باشند کودکان فرصت بیشتری برای رشد و آمادگی برای درک آن چیزهایی را پیدا می‌کنند که در زمان حال و آینده به آن نیاز دارند (دافی، ترجمه یاسایی، ۱۳۸۰، ص. ۶۷). برخی کودکان به خاطر راهنمایی و تشویق والدین‌شان، قدرت خلاقه خود را بسط و تکامل می‌بخشند و برخی دیگر در حالی که همان قدرت خلاقه را دارند، از این تکامل محروم می‌مانند (هارلوک^۱، ترجمه رواندوست، ۱۳۶۴، ص. ۵).

«احترام و ارزش قائل شدن برای افکار و سؤالات کودکان، ایجاد حس اعتماد به نفس، دادن آزادی عمل و فرصت تجربه (هر چند همراه با آزمایش و خطا باشد) تشویق کنجکاوی و

1. Harlock

فاصله گرفتن از عادات و الگوهای ثابت تفکر و عمل نمونه‌هایی از الزامات مربوط به رشد قوای خلاقانه کودکان محسوب می‌گردد» (رمضانی، 1388، ص. 16).

«زمانی که والدین رفتارهای مستقلانه را در کودکان تشویق می‌کنند سه نیاز اساسی وابستگی، خود استقلالی و شایستگی را در آنها ارضاء می‌کنند و این روند به پیشرفت در تحصیل و خلاقیت کودکان منجر می‌شود» (ریان و دسی¹، 2002، ص. 28).

رفتار والدین دارای کودکان خلاق، آزادمنشانه و مسامحه کارانه است. این کودکان خواندن را زود آموخته، قوه تخیل و سرگرمی‌های خلاقانه (شعر و نقاشی) دارند. مادران کودکان خلاق حساسیت کمی در مورد موفقیت تحصیلی، رعایت آداب و نظم فرزندان خود دارند؛ آنها بیشتر بر مفهوم ارزش‌ها و استقبال از مشکلات زندگی تأکید می‌کنند. همچنین مادران افراد خلاق خیلی کمتر از مادران دیگر از مخاطرات واهمه دارند و کمتر از پول، مسائل و مشکلات اقتصادی سخن می‌گویند (شوون²، ترجمه میناکاری، 1368، ص. 78).

زمانی که والد با کودک، ارتباطی متقابل برقرار می‌کند، پیام‌های کلامی و غیر کلامی بین آنها رد و بدل می‌شود. برای مثال، کودک بخواهد دست به انجام کاری جدید بزند، اگر مادر بترسد که او نتواند آن کار را به خوبی انجام دهد و یا این که مبدا برای او اتفاقی بیفتد، این ترس را از طریق پیام‌های کلامی و غیر کلامی به کودک منتقل می‌کند. مادرانی که مدام در کارهای کودکان مداخله می‌کنند، به خصوص کارهایی که کودکان می‌توانند و باید مستقل انجام دهند، کودک و تفکر او را به خود وابسته می‌کنند (تودر³، 2011، ص. 39).

خصوصیات خلقی کودک و نگرش‌ها، رفتار و شخصیت والدین، الگوی ویژه‌ای از تبادل اجتماعی بین کودک و هر یک از والدین ایجاد می‌کند. این الگوی تبادلی به طرق مهمی در رشد روانی کودک تأثیر می‌گذارد. در قرن حاضر روان‌شناسان عملاً معتقدند روابط کودکان

1. Ryan & Deci
2. Sheuwan
3. Tudor

با افرادی که مراقبت آنان را بر عهده دارند، پایه‌های مهمی برای رشد عاطفی و شناختی آنان محسوب می‌شود (ماسن^۱، ترجمه یاسایی، ۱۳۹۰، ص. ۳۹۲).

«پیشگامان نظریه تحلیل رفتار متقابل «ضبط‌شده‌ها» را تقسیم‌بندی کرده‌اند. آنها با مشاهده طرز استفاده‌ها از این ضبط‌شده‌ها، زبان ساده و جدیدی برای توصیف تبادلات اجتماعی ابداع کرده‌اند. به نظر این متخصصان، شخصیت ما از سه «حالت من» مجزا تشکیل شده است و این سه بخش کل رفتارهای ما را پوشش می‌دهند. این سه «حالت من» طبق اصطلاحات تحلیل رفتار متقابل، «والد»، «بالغ» و «کودک» هستند. همه ما از جمله کودکان، از پتانسیل عمل کردن به هر کدام از این سه شیوه برخورداریم. به این ترتیب می‌توانیم بگوییم که هر فردی یک حالت «والد» یک حالت «بالغ» و یک حالت «کودک» دارد» (مینگر^۲، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۳، ص. ۲۹).

«حالتی که از شخصیت پدر و مادر مشتق می‌شود، «والد»، حالتی که شخص محیط خود را به طور عینی ارزیابی می‌کند، «بالغ»، و در نهایت حالتی که فرد همانند کودکی خویش احساس، اندیشه و رفتار می‌کند، «کودک» نامیده می‌شود. نحوه برقراری روابط متقابل والدین و کودک در دوران کودکی در رشد کودک نقش دارند» (برن^۳، ترجمه فصیح، ۱۳۷۳، ص. ۲۳).

«وقتی فرد در حالت «کودک» خود قرار دارد، درست مانند دوران کودکی رفتار، احساس و فکر می‌کند. گاهی فرد، خود را با قوانین، انتظارات و فرامین دیگران منطبق می‌سازد، قانون‌گرا است، خود را راضی نشان می‌دهد و از خواسته‌های واقعی خود چشم‌پوشی می‌کند. در چنین شرایطی فرد از «کودک مطیع و سازگار» خود استفاده می‌کند. «کودک طبیعی» رفتارش براساس نیازهای درونی و علایق خودش است، او خلاق است و به فعالیت‌هایی دست

1. Mussen
3. Menninger
4. Bern

می‌زند که آنها را دوست دارد و از آنها لذت می‌برد. او احساسات واقعی خود را نشان می‌دهد، وقتی ناراحت است بیان می‌کند و وقتی خوشحال است از ته دل می‌خندد» (جیمز و ساوری¹، ترجمه دادگستر، 1382، ص. 42).

«فرد ایده‌آل و باثبات کسی است که بر حسب شرایط خاص به راحتی از یک حالت خود به حالت دیگر آن جابه‌جا شود. آدم با ثبات از نظر «بالغ»، فردی واقع‌بین، منطقی و مسئول است و از بازی‌هایی که برای انداختن مسئولیت و مشکلات زندگی به دوش دیگری ترتیب یافته‌اند، پرهیز می‌کند. فرد باثبات از نظر «والد»، دلسوز و با فرهنگ است و سنت‌های با ارزش گذشته را حفظ می‌کند. فرد باثبات از نظر «کودک»، خودانگیخته، خلاق، شاد و شوخ طبع است» (پروچسکا² و نورکراس، ترجمه سیدمحمدی، 1386، ص. 263).

«تخطئه‌های «والد سرزنش‌کننده» که به تحقیر «کودک» می‌انجامند، خودباوری کودک را کاهش می‌دهد. همچنین این سرزنش‌ها باعث ایجاد روابط متقاطع بین «والد» و «کودک» می‌شود. در نظریه تحلیل رفتار متقابل، بر تحلیل پیام‌های «والد» نظیر بازدارنده‌ها و تصمیمات اولیه‌ای که کودک می‌گیرد و طبق آن نمایشنامه زندگی را می‌سازد، تأکید می‌گردد. برخی از این پیام‌ها ناامیدی و سرکوب خلاقیت را به همراه دارند و کودکان نیز آنها را می‌آموزند. برای مثال بازدارنده‌های «تو نمی‌توانی»، «نکن» و «بچه نباش» باعث می‌شوند «کودک»، خلاقیت خود را سرکوب کند و از اقدام و عمل خلاقانه بترسد» (ویدوسن³، 2011، ص. 76).

«زمانی که «والد»، سوق‌دهنده‌ها را سرلوحه باورهایش قرار دهد، می‌تواند انجام کارها توسط «کودک» را نادیده بگیرد و از «کودک» خواسته‌های غیرواقعی داشته باشد. برای نمونه «والدی» که سوق‌دهنده «کامل باش» دارد، از «کودک» می‌خواهد که همواره کارها را بر اساس استانداردهای نامتعارف و سختگیرانه او انجام دهد و «کودک» به هنگام تخطئه از سوی «والد» دچار خود کم‌بینی می‌شود» (تودر، 2001، ص. 57).

1. James & Savary
2. Prochaska & Norcross
3. Widdowson

«در تحلیل رفتار متقابل فرض بر این است که اگر انسان از «حالات من» خود، آگاهی یابد می‌تواند بین منابع متعدد افکارش افتراق قائل شود. او با آزادسازی «بالغ» می‌تواند انواع احساساتش را تشخیص دهد، الگوهای موفقیت‌آمیز رفتار را بشناسد، به تضاد و تشابهات درونی خود پی ببرد و در برابر مسائل و مواردی که در زندگی به آنها برمی‌خورد، آزادی انتخاب و عمل بیشتری به دست آورد» (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۸۰).

«هدف تحلیل ارتباط محاوره‌ای آن است که «بالغ» را از خواست‌ها و تأثیرات نامطلوب «والد» و «کودک» آزاد کند و بدان وسیله تغییرات رفتاری مطلوب در فرد به وجود آورد. به عبارت دیگر هدف این است که فرد به خودشناسی نایل آید تا بداند که در مواجهه با محیط، چگونه عمل کند و بتواند «بالغ» را همواره در ارتباطات خویش حاکم سازد (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۰، ص. ۲۳۳). هدف نهایی تحلیل رفتار متقابل رسیدن به خود مختاری، آگاهی، سلامت فکر و خودانگیختگی می‌باشد» (برن، ترجمه قراچه‌داغی، ۱۳۷۰، ص. ۵۴).

«والدین شرکت کننده در جلسات گروه درمانی تحلیل رفتار متقابل با کمک یکدیگر و شرکت در گفتگوهای جلسات، بسیاری از پیام‌های «والد» خود را کشف می‌کنند. سپس از طریق شناخت و تجزیه و تحلیل این پیام‌ها، آنها را در یک موقعیت بهتر (گروه) نقد و بررسی می‌نمایند و خود تعیین می‌کنند که تا چه حد مایلند آن دستورات را ادامه و یا کاملاً آنها را تغییر دهند. در گروه‌های تحلیل رفتار متقابل در نتیجه تعامل‌های درون گروهی، اعضا فرصت‌های بسیاری خواهند داشت تا تصمیمات گذشته خود را مرور کنند، به چالش بکشند و تصمیمات جدید را به تجربه بگذارند. یکی از استدلال‌های قوی در نظریه تحلیل رفتار متقابل آن است که گروه تجربه زنده‌ای را فراهم می‌کند که شرکت‌کنندگان می‌توانند آن را به خانواده، دوستان و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، انتقال دهند» (کوری^۱، ۲۰۰۰، ص. ۱۱۸).

1. Corey

مطالعه تحقیقات پیشین نشان داده است که پژوهشی در زمینه تأثیر آموزش گروهی مادران به روش تحلیل رفتار متقابل بر افزایش خلاقیت کودکان انجام نشده است. با این وجود تحقیقاتی مرتبط با موضوع تحقیق حاضر صورت گرفته است.

محققان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که آموزش گروهی مادران به روش تحلیل رفتار متقابل اثربخشی مثبتی بر بهبود رابطه ولی- فرزند داشته است (مومنی، 1386؛ سیف، 1381). تحقیقی بر روی دانش‌آموزان اول دبیرستان در شهر اهواز، به این نتیجه رسید که میان شیوه‌های مختلف فرزندپروری و خلاقیت، همبستگی معنادار وجود دارد (کفایت، 1373). در پژوهشی بررسی تأثیر روان‌درمان گروهی با رویکرد تحلیل رفتار متقابل بر کاهش هیجان‌مداری و افزایش مسئله‌مداری نوجوانان نشان می‌داد که روش مذکور بر شیوه‌های رویارویی نوجوان مؤثر بوده است و موجب کاهش هیجان‌مداری، افزایش مسئله‌مداری و تفکر واگرایی نوجوان می‌شود (فرهنگی، 1385). در یک مطالعه آزمایشی که بر روی دانش‌آموزان پایه دوم راهنمایی شهر دلیجان صورت گرفت، محقق به این نتیجه رسید که بین آموزش مسئله محور و رشد خلاقیت دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد (مقامی، 1386).

در پژوهشی از سه روش بارش فکری، سازه فکری و حل مسئله برای افزایش خلاقیت دانش‌آموزان استفاده شد. نتایج نشان داد که روش سازه فکری در هر دو جنس پسر و دختر و روش بارش فکری تنها در جنس پسر، تأثیر مثبت داشته است (بهرامی و رشیدی، 1379). اجرای روش ایده‌سازی ترکیبی از روش‌های بارش فکری، حل مسئله و سینکتیکس بر روی دانش‌آموزان پایه دوم دوره متوسطه، نشان داد که تأثیر آموزش این شیوه بر خلاقیت دانش‌آموزان مثبت بوده است (نظری، 1382). بررسی اثر فن بارش فکری بر میزان خلاقیت دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی به این نتیجه رسید که این فن بر هر دو جنس دختر و پسر تأثیر مثبت دارد، اما در این پژوهش، تفاوتی بین دو جنس گزارش نشد (گنجی و همکاران، 1384).

مطالعه بر روی دانش‌آموزان کلاس ششم در مورد تأثیر اجرای فن سینکتیکس (در مورد درس علم زندگی) بر میزان خلاقیت آنان، حاکی از اثرگذاری مثبت این فن آموزشی در برابر روش‌های سنتی بود (پالتاسینگ^۱، ۲۰۰۸). پژوهش دیگری با موضوع پرورش خلاقیت، بر روی دانش‌آموزان کلاس‌های چهارم و هشتم انجام شد؛ در این تحقیق از فن اسکمپر استفاده گردید، نتایج این پژوهش مثبت ارزیابی گردید (وستبرگ^۲، ۱۹۹۶).

«تحقیقات دیگری نشان داده است که مادران آموزش دیده بر عملکرد خلاق، پیشرفت تحصیلی و رشد شناختی دانش‌آموزان تأثیری به سزا داشته‌اند و این تأثیر هم شامل دانش‌آموزان مستعد و هم غیرمستعد بوده است» (پارادو^۳، ۲۰۰۲).

استفانز^۴ و همکاران در سال ۲۰۰۱ م. در مطالعه‌ای بر روی والدین ۲۶ کودک پیش‌دستانی نشان داد که والدین کودکان خلاق به خود اطمینانی، خودپنداره مثبت و مهارت‌های اجتماعی فرزندان خود منجر می‌شوند. این والدین مخالف سختگیری و کنترل هستند (البرزی، ۱۳۸۶).

در یک مطالعه تحقیقی در شهر سیدنی استرالیا مشاهده شد که عزت نفس بالا موجب افزایش یادگیری و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان شده که در عین حال این نتیجه ارتباط معناداری با خلاقیت آنان دارد. همچنین دانش‌آموزان دارای عزت نفس بالا مشارکت بیشتری در فعالیت‌های اجتماعی خارج از مدرسه دارند و حس وظیفه‌شناسی و همکاری‌شان زیادتر بوده است، البته ارتباط عزت نفس و خلاقیت پسران، قوی‌تر از دختران بوده است (اسمیت و هال^۵، ۲۰۰۱).

عطف به مطالب فوق، مادران از مهم‌ترین حمایت‌کنندگان بروز خلاقیت کودکان هستند. با این وجود تحقیقات نشان می‌دهد که بررسی‌های به عمل آمده در مورد خلاقیت کودکان به طور عمده در زمینه آموزش کودک بوده است. لذا محقق در پژوهش حاضر، به بررسی تأثیر

1. Paltasingh
2. Westberg
3. Parado
4. Stephens
5. Smith & Hall

آموزش گروهی مادران بر افزایش خلاقیت کودکان، با تأکید بر روش تحلیل رفتار متقابل پرداخته است. انتخاب این نظریه از سوی محقق از آن جهت صورت گرفت که در این تحقیق، نظریه تحلیل رفتار متقابل به تأثیر عوامل ارتباطی مادر و کودک بر خلاقیت کودک اشاره دارد. شایان توجه است که چنین تحقیقی تا به حال در ایران صورت نگرفته است و تحقیق مشابهی نیز در تحقیقات خارجی یافت نشده است. این تحقیق می‌تواند خلاء موجود در این زمینه را پر نماید و به گسترش علم در این حیطه بپردازد. همچنین با توجه به اهمیتی که وجود کودکان خلاق برای جامعه دارد، از نتایج این تحقیق می‌توان در مراکز مشاوره‌ای، آموزشی و پژوهشی مربوط به کودکان و مادران بهره برد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر تحقیق کمی از نوع نیمه آزمایشی پیش‌آزمون - پس‌آزمون می‌باشد. جامعه آماری، مادران دانش‌آموزان مقطع ابتدایی بودند. این مادران، در کلاس‌های آموزشی مراکز فرهنگی مناطق 2 و 5 سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران شرکت داشتند. از بین جامعه آماری تحقیق 40 نفر با در نظر گرفتن امکان افت، به صورت تصادفی به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. از این میان 26 نفر، حاضر به همکاری در تحقیق حاضر بودند. این افراد به صورت تصادفی در 2 گروه 13 نفره آزمایش و گواه جای گرفتند. سپس به عنوان پیش‌آزمون، از فرم "ب" آزمون خلاقیت تورنس برای سنجش خلاقیت دانش‌آموزانی که مادران آنها به عنوان نمونه آماری انتخاب شده بودند، استفاده شد. همچنین از همه دانش‌آموزانی که مادران آنها در گروه‌ها حضور داشتند، مصاحبه بالینی نیز صورت گرفت. سپس مادران گروه آزمایش در 10 جلسه 1/5 ساعته آموزش گروهی به روش تحلیل رفتار متقابل شرکت کردند. طرح مختصر جلسات در جدول 1 ارائه شده است. در روند جلسات از آموزش مبانی تحلیل رفتار متقابل، بحث گروهی، ایفای نقش و بررسی تکالیف خانوادگی استفاده شد. این جلسات در فرهنگسرای ابن سینا اجرا گردید. در پایان، از کلیه دانش‌آموزانی که مادران آنها در گروه‌های

آزمایش و گواه شرکت کرده بودند، فرم "ب" آزمون خلاقیت تورنس، به عنوان پس آزمون گرفته شد و مصاحبه بالینی نیز انجام گرفت. سرانجام نتایج حاصل در جهت بررسی هدف تحقیق با یکدیگر مقایسه شدند.

جدول ۱. طرح جلسات آموزشی

جلسه	موارد آموزشی
اول	شرح عناصر خلاقیت، آموزش "حالات من"، تحلیل ساختاری و کنشی این حالات بر اساس مبانی رویکرد تحلیل رفتار متقابل
دوم	بررسی تبدلات بین مادر، کودک و روش های ارتباطی مادران با کودکان خلاق
سوم	آموزش انواع روش های سازمان دهی زمان مادر با کودک از دیدگاه تحلیل رفتار متقابل و تأثیر آن بر خلاقیت کودک
چهارم	آموزش انواع نوازش های مثبت و منفی و شرطی و غیرشرطی مادر به کودک، اقتصاد نوازش و روش های ارائه نوازش ها به کودکان خلاق
پنجم	بررسی وضعیت های زندگی و تأثیر انتخاب این وضعیت ها توسط مادر بر خلاقیت کودک
ششم	بررسی احساس های اصیل و تخریبی مادر در کاهش خلاقیت کودک
هفتم	توضیح انواع پیام های پیش برنده مادران و ارتباط آنها با خلاقیت کودک
هشتم	بررسی انواع پیام های بازدارنده مادران و ارتباط آنها با خلاقیت کودک
نهم	بررسی آلودگی های بالغ مادران، بحث های گروهی و ایفای نقش آلودگی های روانی منجر شونده به کاهش خلاقیت کودک
دهم	بررسی رفتارهای "بالغانه" مادران، بحث های گروهی و ایفای نقش رفتارهای "بالغانه" منجر شونده به افزایش خلاقیت کودک

ابزار:

ابزار اندازه گیری در این پژوهش، فرم "ب" آزمون خلاقیت تورنس می باشد. دلیل انتخاب آزمون خلاقیت تورنس، کارایی و اعتبار و پایایی مناسب آن در پژوهش بود. این آزمون مکرراً در پژوهش ها و اندازه گیری های تربیتی مورد استفاده قرار گرفته است. آزمون خلاقیت تورنس که در سال 1960 م. توسط تورنس تهیه و توسط کرمی در سال 1375 به فارسی ترجمه شده است، دارای دستورالعمل اجرا و نمره گذاری به شکل، فرم تصویری

بر اساس داده های جدول 2، بیشترین فراوانی در نمونه (در کل گروه ها) از نظر سطح تحصیلات، متعلق به دارندگان مدرک کارشناسی و از نظر سنی، 30-39 سال بود.

جدول 3. آمار توصیفی مؤلفه سیالی

گروه	میانگین پیش آزمون	انحراف معیار پیش آزمون	میانگین پس آزمون	انحراف معیار پس آزمون	تعداد
گروه گواه	7/500	1/269	7/600	1/275	13
گروه آزمایش	4/900	1/114	7/200	1/368	13
کل	5/200	1/191	7/400	1/321	26

جدول 4. آمار توصیفی مؤلفه بسط

گروه	میانگین پیش آزمون	انحراف معیار پیش آزمون	میانگین پس آزمون	انحراف معیار پس آزمون	تعداد
گروه گواه	6/850	1/230	6/830	1/214	3
گروه آزمایش	4/700	1/282	6/900	1/368	13
کل	5/775	1/256	6/865	1/291	26

جداول 3 و 4 شاخص های آمار توصیفی مؤلفه های سیالی و بسط را، در گروه های گواه و آزمایش نشان می دهند. داده های این جداول شامل میانگین و انحراف معیار نمرات و تعداد اعضای هر گروه در پیش آزمون و پس آزمون می باشد.

جدول 5. آمار توصیفی مؤلفه انعطاف پذیری

گروه	میانگین پیش آزمون	انحراف معیار پیش آزمون	میانگین پس آزمون	انحراف معیار پس آزمون	تعداد
گروه گواه	6/400	1/135	5/500	1/164	13
گروه آزمایش	6/700	1/243	8/700	1/367	13
کل	6/550	1/189	7/200	1/265	26

جدول 6. آمار توصیفی مؤلفه ابتکار

گروه	میانگین پیش آزمون	انحراف معیار پیش آزمون	میانگین پس آزمون	انحراف معیار پس آزمون	تعداد
گروه گواه	5/800	1/128	5/900	1/149	13
گروه آزمایش	6/200	1/243	7/100	1/296	13
کل	6/000	1/185	6/500	1/222	26

جداول 5 و 6 شاخص‌های آمار توصیفی مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری و ابتکار را، در گروه‌های گواه و آزمایش نشان می‌دهند. داده‌های این جداول شامل میانگین و انحراف معیار نمرات و تعداد اعضای هر گروه در پیش آزمون و پس آزمون می‌باشد.

به دلیل استفاده از آزمون خلاقیت تورنس در پیش آزمون و پس آزمون و تعدیل اثر پیش آزمون بر آزمودنی‌ها، آمار استنباطی به کار رفته در این تحقیق روش تحلیل کواریانس می‌باشد.

جدول 7. آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها

عناصر خلاقیت	Sig	درجه آزادی	F
سیالی	0/087	1	0/827
بسط	0/074	1	0/676
انعطاف‌پذیری	0/078	1	0/795
ابتکار	0/069	1	0/655

در جدول 7، با توجه به مقادیر F محاسبه شده و سطوح معناداری آنها با 95 درصد اطمینان می‌توان قضاوت کرد که بین واریانس‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین شرط برابری واریانس‌ها برقرار است.

جدول ۸. اثرات بین آزمودنی‌ها

عناصر خلاقیت	ضریب اتا	سطح معناداری	F	مربع میانگین	جمع مربعات	درجه آزادی
سیالی	0/545	0/000	15/550	17/726	35/451	1
بسط	0/347	0/040	6/908	6/288	12/575	1
انعطاف پذیری	0/435	0/030	12/470	8/56	16/520	1
ابتکار	0/586	0/040	16/705	19/448	38/463	1

با توجه به مقادیر F و سطوح معناداری $P < 0/05$ جدول ۸ نشان می‌دهد که فرضیه بین گروه‌ها در مورد هر چهار مؤلفه پذیرفته می‌شود و می‌توان به مقایسه گروه‌ها پرداخت.

جدول ۹. مقایسه گروه‌های آزمایش و گواه

عناصر خلاقیت	اختلاف میانگین	اختلاف استاندارد	سطح معناداری
سیالی	2/447	0/478	0/010
بسط	1/346	0/432	0/030
انعطاف پذیری	2/147	0/460	0/030
ابتکار	1/400	0/427	0/040

با توجه به داده‌های جدول ۹ می‌توان نتیجه گرفت که با ۹۹ درصد اطمینان، بین نمرات مؤلفه سیالی پیش آزمون و پس آزمون در گروه آزمایش و گروه گواه تفاوت معنادار وجود دارد.

با ۹۵ درصد اطمینان، بین نمرات مؤلفه‌های بسط، انعطاف‌پذیری، ابتکار پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه آزمایش و گروه گواه تفاوت معنادار وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان‌دهنده اثر مثبت در روش مداخله‌ای استفاده شده بر افزایش خلاقیت کودکان است. یافته‌های آماری و مصاحبه‌های بالینی پژوهش حاضر نشان می‌دهند که خلاقیت کودکان در چهار مؤلفه سیالی، بسط، انعطاف‌پذیری و ابتکار در گروه‌هایی که مادران

آنها تحت آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل قرار گرفته‌اند، افزایش یافته است. بنابراین نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهند که آموزش گروهی مادران به روش تحلیل رفتار متقابل بر افزایش خلاقیت کودکان مؤثر است. نتیجه این تحقیق، مکمل تحقیقاتی است که در زمینه افزایش خلاقیت کودکان صورت گرفته‌اند. این یافته‌ها با نتایج حاصل از مطالعات ویدوسن (2011)، پارادو (2002)، ریان و دسی (2002)، تودر (2001)، استفانز (2001)، کوری (2000)، مومنی (1386)، مقامی (1386)، فرهنگی (1385)، کفایت (1373) و سیف (1381) همخوان است.

برای داشتن کودکی خلاق، لازم است به ارتباط مادر و کودک پرداخته شود. در این ارتباط، الگوهای تبادلی مادر و کودک نقش مهمی را ایفا می‌کند. پیام‌های کلامی و غیر کلامی که بین مادر و کودک مبادله می‌شود می‌تواند برانگیزاننده و یا بازدارنده خلاقیت کودک باشد. «والد» با سرزنش‌ها و پیام‌های سوق دهنده و بازدارنده، خلاقیت «کودک» را کاهش می‌دهد. «کودک طبیعی» خلاق است و زمانی که از خود خلاقیت نشان می‌دهد، به جای سرزنش، نیاز به انتقاد سازنده و در عین حال تشویق شدن دارد. در پژوهش حاضر، مادرانی که تحت آموزش تحلیل رفتار متقابل قرار گرفتند، آموختند که چگونه به جای سرزنش کودک، از او انتقاد سازنده کنند و همچنین توجه و نوازش مثبت را به موقع، به کودک بدهند. این روش باعث شکل‌گیری یک الگوی تبادلی جدید بین مادر و کودک شد. در چنین ارتباطی «کودک» آزاد است که خلاقیت خود را ابراز نماید. بر اساس این الگو، تعارض‌ها و روابط متقاطع مادر و کودک کاهش یافت و روابط سازنده و مکمل ایجاد گردید. در این الگوی تبادلی جدید، مادران وضعیت «من خوب هستم - تو خوب هستی» را تقویت کردند و به این ترتیب، ترس کودک از ابراز خلاقیت را کاهش دادند. هم‌چنین در تحقیق حاضر، با استفاده از روش‌های تحلیل نمایشنامه زندگی، مادران پیام‌های بازدارنده و سوق‌دهنده «والد» خود را که سبب کاهش خلاقیت کودک می‌شوند، شناسایی کردند و با تغییر در این پیام‌ها زمینه را برای افزایش خلاقیت کودک فراهم آوردند. سرانجام در آموزش گروهی به روش تحلیل رفتار متقابل،

مادران با ایجاد تغییرات در «بالغ» خود و کم کردن آلودگی‌های «بالغ» توانستند الگوی خوبی از فردی خلاق، برای کودکان باشند.

لازم به ذکر است که به علت عدم همکاری مدیران سایر مراکز فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، محقق از نمونه‌گیری در دسترس استفاده نمود و با توجه به اینکه نمونه انتخاب شده در این پژوهش 26 نفر بوده‌اند، به علت کمی تعداد نمونه، تعمیم نتایج به کل کودکان شهر تهران خالی از اشکال نیست. در راستای پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود، محققین بعدی تأثیر همزمان مشاوره به روش تحلیل رفتار متقابل برای کودکان و والدین را بر افزایش خلاقیت کودکان بررسی نمایند. پژوهشگران می‌توانند از نمونه‌گیری تصادفی استفاده کنند و تحقیق حاضر را برای گروه‌های سنی دیگر از جمله نوجوانان تکرار کنند.

منابع

- افروز، غلامعلی. (1372). روان‌شناسی و تربیت کودک و نوجوان. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- البرزی، محبوبه. (1386). تبیین واسطه‌گری باورهای انگیزشی در مدل خلاقیت کودکان با رویکرد به متغیرهای انگیزشی، مدرسه‌ای و باورهای اسنادی در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شیراز.
- برن، اریک. بعد از سلام چه می‌گوئید. ترجمه مهدی قراچه‌داغی. (1370). تهران: نشر البرز.
- برن، اریک. تحلیل رفتار متقابل. ترجمه اسماعیل فصیح. (1373). تهران: نشر فاخته.
- بهرامی، فاطمه و رشیدی، رضوان. (1379). بررسی مقایسه‌ای روش‌های پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان دوره ابتدای شهر اصفهان. اصفهان: واحد تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.
- پروچسکا، جیمز و نورکراس، جان. نظریه‌های روان‌درمانی. (1383). ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: انتشارات رشد.

پیر خائفی، علیرضا. (1373). بررسی رابطه هوش و خلاقیت در بین دانش آموزان پسر مقطع دوم نظری دبیرستان‌های شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

جیمز، موریل و ساوری، لوییس. خویشتن جدید. ترجمه بهمن دادگستر. (1382). تهران: انتشارات روشاندلان.

حسینی، افضل السادات. (1378). ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن. مشهد: انتشارات آستان قدس.

دائمی، حمیدرضا و مقیمی، فاطمه. (1383). هنجاریابی آزمون خلاقیت تورنس. فصلنامه تازه‌های علوم شناختی 3 (6): 1-8.

دافی، برنادت. تشویق خلاقیت و تخیل در کودکان. ترجمه مهشید یاسائی. (1380). تهران: ققنوس. رضوانی، عباس. (1388). بررسی رابطه خلاقیت دانش آموزان با نگرش‌های فرزند پروری والدین در مدارس مقطع راهنمایی پسرانه و دخترانه استعدادهای درخشان شهر ارومیه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه.

سیف، علی اکبر. (1386). روانشناسی پرورشی. تهران: آگاه.

سیف، فاطمه. (1381). بررسی اثر بخشی آموزش گروهی روابط انسانی به والدین بر بهبود تعامل آنان با فرزندان پسر 10-12 ساله دبستان پسرانه منطقه یک تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

شفیع آبادی، عبدالله؛ ناصری، غلامرضا. (1380). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

شوون، رمی. سرآمدها (کودکان تیز هوش). ترجمه محمود میناکاری. (1368). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

عابدی، جمال. (1372). خلاقیت و شیوه‌ای نو در اندازه‌گیری آن. پژوهش‌های روانشناختی 2 (2): 46-54.

فرهنگی، فرهنگ. (1385). تاثیر روان‌درمانگری گروهی با رویکرد تحلیل رفتار متقابل بر شیوه‌های رویارویی با استرس نوجوانان. مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه مشهد 7 (2): 41-62.

گرفت، آنا. پرورش خلاقیت در کودکی. ترجمه مهدی نورانی. (1388). تهران: انتشارات رضایی.

کفایت، محمد. (1373). بررسی ارتباط شیوه ها و نگرش های فرزند پروری با خلاقیت و رابطه اخیر باهوش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال اول دبیرستانهای پسرانه اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

گنجی، حمزه؛ پاشا شریفی، حسن؛ میرهاشمی، مالک. (1384). اثر روش بارش مغزی در افزایش خلاقیت دانش آموزان. فصلنامه تعلیم و تربیت 21، 89-112.

ماسن، پاول هنری و همکاران. رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. (1390). تهران: نشر مرکز.

مقامی، حمید رضا. (1386). تأثیر روش آموزش مسئله محور بر افزایش خلاقیت دانش آموزان پایه دوم راهنمایی شهر دلجان. روانشناسی و علوم تربیتی 3 (9): 165-183.

منینگر، جات. موفقیت با تحلیل رفتار متقابل. ترجمه مهرداد فیروزبخت. (1383). تهران: انتشارات رسا.

مومنی، مریم. (1386). اثربخشی درمان گروهی مادران با رویکرد تحلیل ارتباط محاوره‌ای برن بر بهبود رابطه ولی فرزندی دانش آموزان دختر متوسطه شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علوم و تحقیقات.

نظری، عباس. (1382). بررسی تأثیر روش ایده سازی در پرورش خلاقیت دانش آموزان مقطع دوم متوسط دبیرستان های ناحیه 2 اراک. واحد تحقیقات، سازمان آموزش و پرورش استان مرکزی.

هارلوک، الیزابت. بازی. ترجمه وحید رواندوست. (1364). تهران: انتشارات پویش.

همتی، امیر. (1387). بررسی تطبیقی موانع شخصی خلاقیت از دیدگاه دبیران مرد و زن. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه.

Amabile, T. (1987). *Creativity and leaning*. Oxford: pergamon press.

Auzmendi, E., Villa, A., & Abedi, J. (1996). Reliability and validity of a newly-constructed multiple-choice creativity instrument. *Creativity Research Journal* 9(1): 89-95.

Corey, G. (2000). *Theory and practice of group counseling*. Belmont: Brooks.

Guliford J.P. (1950). *Creativity in americian*. New York: McGraw-Hill .

Paltasingh, S. (2008). Impact of synectics model of teaching in life scinc to develop creativity among pupils. *Journal of India Association for Education Research* 20, 374-389.

- Parado, Sh. (2002). Effects of a teacher training workshop on creativity, cognitive school achievement. *High Ability Studies* 13(1): 63-75.
- Ryan, Richard M., and Deci, Edward L, (2002). An overview of self determination theory. In E. L. Deci & R. M. Ryan. (Eds.), *Handbook of self-determination research*. New York: The University of Rochester Press.
- Smith, B. P., Hall, H. C. (2001). National standards for family and consumer sciences education: Perceptions of parents, professionals, and vocational administrators. *Journal of Family and Consumer Sciences* 9(3): 49-57.
- Torrance, E. P. (1974). *Norms, technical manual, Torrance test of creative thinking verbal test, forms A and B, figural tests, forms A and B*. Massachusetts: Personnel Press.
- Torrance, E. P. & Goff, K. (1989). *A Quiet Revolution. Creative Behavior* 23, 136-145.
- Tudor, K. (2001). Children's Groups: Integrating TA and Gestalt Perspectives. *Transactional Analysis Journal*. 21(1): 35-48.
- Westberg, K. L. (1996). The effects of teaching students how to invent. *Journal of Creative Behavior*. 30(4): 249-267.
- Widdowson, M. (2011). *Transactional Analysis: 100 key points and techniques*, London: Routledge Press.